

پیشداوری و قضاوت نابجا؛ آفت روابط انسانی

قضاوت نابجا و پیشداوری از جمله آسیب های رفتاری است که روابط انسانی را خدشه دار می کند؛ آسیبی که از کم صبری و آستانه تحمل پایین، منفی نگری و برنتافتن اصل نقد و گفت و گو ریشه می گیرد و متاسفانه نموده ها و آثار آن را می توان در مناسبات اجتماعی به فراوانی دید.



قضاوت نابجا و پیشداوری از جمله آسیب های رفتاری است که روابط انسانی را خدشه دار می کند؛ آسیبی که از کم صبری و آستانه تحمل پایین، منفی نگری و برنتافتن اصل نقد و گفت و گو ریشه می گیرد و متاسفانه نموده ها و آثار آن را می توان در مناسبات اجتماعی به فراوانی دید.

پیشداوری در مورد رفتار، گفتار و حتی نیت و اندیشه دیگران آسیبی رفتاری است که رواج آن پیکر فکری و روانی اعضای جامعه، روابط بین فردی و مدنی را می خراشد؛ منشی که نه بر اساس منطق و واقعیت بلکه اغلب بر پایه مجموعه ای از پیش فرض ها و گمانه زنی ها ناصواب شکل می گیرد.

پیشداوری و قضاوت نابجا پیامدهایی چون تبعیض، تحقیر و برچسب زدن به افراد را به دنبال دارد. برخی افراد تا اندازه ای در اندیشه قضاوتگر خود غرق می شوند که دست به نیت خوانی هم می زنند؛ رویکردی که جامعه را از مدار انصاف و میانه روی دور می کند. این در حالی است که بیشتر روانشناسان و جامعه شناسان، انسان را از سنجش زود هنگام دیگران منع کرده اند. آنان در مورد پیامدهای منفی این نوع نگرش برای روحیه و روان انسان ها و نیز روابط اجتماعی و خانوادگی افراد هشدارهای جدی داده اند.

روانشناسان بر این باورند که افراد بهتر است به جای تقویت حس بدبینی در خود و برچسب زنی به دیگران، گذشت را تمرین کنند و نگاهی خوشبینانه به رویدادهای پیرامون خود داشته باشند زیرا در گیرودار رفتار قضاوتگرانه، آرامش درونی و مثبت اندیشی از انسان هر روز دورتر و دورتر می شود.

بزرگان دینی، فیلسوفان و ادیبان بزرگ جهان نیز در فرهنگ ها و منظومه های فکری مختلف همواره این رفتار را ناپسند و مردود شمرده اند. در این باره، حضرت علی (علیه السلام) پیشوای نخستین شیعیان، فرموده است قضاوتی که با تکیه بر ظن و گمان باشد، از عدالت برکنار است. حضرت عیسی (علیه السلام) نیز پیروانش را از قضاوت نابجا درباره دیگران چنین باز داشته است: درباره دیگران قضاوت نکنید تا مورد قضاوت قرار نگیرید. همان طور که شما دیگران را محکوم می کنید خودتان نیز محکوم خواهید شد. چرا پَرَکاهی را که در چشم برادرت هست می بینی، ولی در فکر چوب بزرگی که در چشم خود داری نیستی؟ «نظامی گنجوی» شاعر بزرگ قرن ششم هجری، در «مخزن الاسرار» خود درباره این رهنمود پیامبر آیین مسیحیت سروده است: چون به سخن نوبت عیسی رسید / عیب رها کرد و به معنی رسید ... عیب کسان منکر و احسان خویش / دیده فرو بر به گریبان خویش.

شماری از نویسندگان و متفکران جهان هم درباره زشتی پیشداوری و قضاوت ناصحیح قلم زده اند. «وین دایر» نویسنده نام آشنا و تاثیرگذار آمریکایی در نفی قضاوت نادرست نوشته است: با قضاوت کردن درباره دیگران، در حقیقت به بیان و شرح خود می پردازید. به باور این نویسنده تفاوت کسی که زیبا به نظر می رسد و کسی که جذاب نیست، در نوع پیشداوری ما است. هیچ کس روی این گره زشت نیست؛ مردم تصمیم می گیرند برخی چیزها را زشت بیندارند. «مادر ترزا» راهبه کاتولیک آلبانیایی تبار و برنده جایزه صلح نوبل که به خاطر خدمات انسان دوستانه اش از شهرت و محبوبیت جهانی برخوردار است در این باره می گوید: اگر به قضاوت مردم بنشینم، دیگر زمانی برای دوست داشتن آنان نخواهی داشت.

قضاوت نادرست، متهم کردن دیگری و برچسب زدن های مختلف در امثال ملیت های گوناگون چنین نکوهیده شده که فرانسوی های می گویند «اگر یک مقصر، بی گناه دانسته شود بهتر از این است که یک بی گناه، محکوم شود». «انسان باید کلاهش را پیش خودش قاضی کند» هم مثلی ایرانی است که بارها آن را شنیده ایم.

دیدگاه های گوناگونی در زمینه ریشه های بروز پیشداوری بیان شده است که از آن جمله، تنگی عرصه نقد و ظرفیت اندک نقدپذیری، کم صبری، کوتاهی زمان میان تفکر تا قضاوت و کمبود مثبت اندیشی در جامعه را می توان نام برد. در میان این عوامل، برخی نقش مستقیم و شماری کارکردهای نامستقیم در ایجاد و بازتولید پیشداوری دارند. به عنوان مثال در فضای تنگ نقد و ضعف نقدپذیری، بیان شفاف انگاره ها و دیدگاه ها با دشواری روبرو شده و خواه، ناخواه افراد به سمت گمانه پروری ناصواب سوق می یابند.

در این زمینه اما راهکارهایی برای جلوگیری از پیدایش و بازتولید پدیده قضاوت نابجا مطرح شده است؛

الف- ایجاد فضای نقد و گفت و گوی مسالمت آمیز و دوستانه در جامعه، خانواده و به طور کلی در تعامل میان انسان ها می تواند تا سطحی از میزان قضاوت های ناآگاهانه و پیشداوری ها بکاهد. وجود فضای نقد در مناسبات میان افراد در خانواده، مدرسه، دانشگاه، محیط شغلی و دایره دوستان و همچنین کنار رفتن سایه ترس از فراز ابراز نظر، بی شک می تواند مانعی پیش روی قضاوتگری نابجا ایجاد کند.

ب- کاهش آستانه تحمل، کم صبری و کوتاهی زمان میان تفکر تا تصمیم گیری و قضاوت، یکی دیگر از چالش های دامنگیر افراد قضاوتگر است. این افراد باید در برخورد با شرایطی که آنان را متمایل به قضاوت در مورد دیگران می سازد، به تمرین صبوری، شکیبایی و تفکر بپردازند و مهارت هایی را در این زمینه بیاموزند.

ج- گذشت کردن و بهره گیری از نگاه خوشبینانه به برخی موقعیت ها که ممکن است حس بدبینی را در افراد تشدید کند، راه دیگری برای کاهش برخوردهای قضاوتگرانه است. نبود روحیه بخشش و نداشتن تفکر مثبت، از دیگر عللی است که افراد را در دام قضاوتگری می اندازد. البته به باور صاحب نظران در مثبت اندیشی نیز نباید راه افراط را پیش گرفت چرا که در برخی موارد مثبت اندیشی مطلق ما را در قضاوت به اشتباه خواهد انداخت؛ همان گونه که منفی انگاری مطلق قضاوت انسان را مختل می کند.

کوتاه سخن آنکه، قضاوت نادرست و نابجا در بسیاری از موارد منجر به سوء تفاهم، رنجش خاطر خود و دیگران و تصمیم گیری های اشتباه می شود؛ موضوعی که می تواند تاثیر منفی و جبران ناپذیری در روابط میان افراد بگذارد. از این رو، بهتر آن است افرادی که روحیه قضاوتگرانه دارند به آموختن مهارت هایی برای خروج از فضای پیشداوری منفی نگرانه در مورد دیگران بپردازند و بکوشند با گفت و گو و تعامل مثبت، ابهام های ایجاد شده در روابط خود با دیگران را بزایند. دستیابی به این مهم اما نیازمند بالا بردن میزان صبر، تحمل و نقدپذیری در جامعه است. در این پیوند، رسانه ها، مسوولان فرهنگی و نهادهای گوناگون جامعه چون خانواده، مدرسه و دانشگاه از کودکی تا بزرگسالی در شکل گیری این پیش زمینه ها نقش به سزایی دارند.